

بازنمایی عفاف در ارتباطات زن و مرد مطالعه انتقادی فیلم سینمایی سعادت آباد

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۷/۱۰

حفیظه مهدیان*

نصرالله آقاجانی**

چکیده

نوع روابط زن و مرد و مرزبندی در تعاملات این دو جنس، در روح و روان فرد، استحکام خانواده و رشد و پیشرفت جامعه نقش تعیین کننده‌ای دارد. با این پیش فرض، اگر رسانه تاثیرگذاری چون سینما، بر خلاف دین و فطرت، به پایه گذاری اخلاق جنسی خاصی در جامعه مبادرت ورزد که حریم‌های میان زن و مرد شکسته شود، اثر مخربی بر تفکر و رفتار مخاطب خواهد گذاشت که به سادگی جبران پذیر نیست. سوال اصلی این مقاله این است که فیلم سینمایی «سعادت آباد»، روابط میان زن و مرد را چگونه بازنمایی کرده و این بازنمایی تا چه حد با ملاک‌های ارتباط عقیفانه در اسلام، منطبق است. برای این هدف، با نگاهی جامع به آیات و روایات، مولفه‌های روابط عقیفانه را استخراج کرده و سپس با تحلیل نشانه‌شناختی فیلم سینمایی «سعادت آباد» که یکی از تولیدات فکری دهه نود سینمای ایران محسوب می‌شود، نوع بازنمایی این فیلم از روابط میان دو جنس و میزان انطباق یا فاصله آن با آموزه‌های اسلامی در زمینه روابط زن و مرد نامحرم را از طریق تحلیل رمزگان جان فیسک بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: عفاف، بازنمایی، ارتباطات، سینما، سعادت آباد.

* کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام hafizemahdian@yahoo.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

مقدمه

بسیاری از فیلم‌های سینمایی خواه آشکار، خواه نهان مملو از گفتمان‌های جنسیتی است. اینکه ما به عنوان زن یا مرد کیستیم و چگونه باید در فضاهای مختلف رفتار کنیم، بخشی از فرهنگ جنسیتی است که توسط رسانه‌های مهم چون سینما بازتولید می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۵، ص ۶۱). زن به عنوان یک عنصر جنسی، رایج‌ترین شکل حضور زن در سینمای جهان و ایران بوده است (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸). در فضای سینمایی امروز، کمتر تولیدی یافت می‌شود که در سوژه اصلی یا لاقل برخی سکانس‌های جاذب و کلیدی آن به برقراری ارتباط عاطفی میان زن و مرد نپرداخته باشند. تکرار و فرهنگ ساختن چنین ماجراهای عاطفی، امنیت روانی، مصنوعیت اخلاقی و استحکام حضور انسانی و تمرکز ذهنی مثبت افراد را در جامعه به خطر می‌اندازد و ممکن است آنها را به تجربه چنین ماجراهای هیجان‌انگیزی در واقعیت زندگی شخصی‌شان، ترغیب کرده و صیانت اخلاقی جامعه را در درازمدت تهدید کند (فرهمندپور، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷).

اخلاق جنسی یکی از هنجارهای بسیار مهم در هر جامعه‌ای است که نقش پررنگی در سینمای جهان و بالتبع در سینمای ایران ایفا کرده است. گزینه جنسی از مهم‌ترین عوامل ربط‌دهنده زن و مرد در طول تاریخ است. وجود این گزینه نیرومند در انسان و سرکشی‌های بی حد و حصر او از عقل و در نتیجه به بار آمدن خسارت‌های روحی و جسمی، انسان را مجبور ساخته تا برای حفظ تعادل خود، از اخلاق جنسی خاصی تبعیت کند. این اخلاق بنا بر فرهنگ‌ها و جوامع مختلف، متفاوت است. ادیان الهی نیز بر این خصیصه انسانی چشم فرو بسته و الگوهایی برای حفظ سلامت روابط زن و مرد نامحرم ارائه نموده‌اند؛ همچنان که

کامل‌ترین دین الهی -اسلام- خویشتن‌داری در چارچوب عفاف را برای این نوع روابط، پسندیده و آن را رکن ارتباطات زن و مرد شمرده است. سخنان بسیاری راجع به قصور سینما در مورد روابط عقیفانه زن و مرد به زبان آورده شده است، در مقابل بسیاری از اهالی سینما، چنین دعاوی را نپذیرفته و محصولات خود را مطابق قوانین جمهوری اسلامی می‌دانند. چنین کشمکش‌هایی بدون وجود طرح و بحث‌های علمی، راه به سوی تحصیل سینمای مطلوب باز نخواهد کرد، بنابراین لازم است با متون روش‌مند که در مجامع علمی پذیرفته شده است، به تبیین محتوای سینمای ایران در مسائل مربوط به عفاف در روابط زن و مرد پرداخته شود.

آن‌چه این تحقیق به دنبال آن است، بررسی عفاف و در نتیجه توصیف وضعیت روابط «زن و مرد نامحرم» در سینما و تطبیق آن با معیارهای اسلامی است. بدین صورت که تمام آنچه که در بازنمایی این روابط اعم از نگاه، کلام و رفتار درگیر است، در فیلم منتخب، تحلیل شده و با مولفه‌های روابط عقیفانه که از متون اسلامی استخراج شده، مقایسه می‌شود. بازنمایی به طور خلاصه، تولید معنی از طریق زبان است. حال در توضیح این مفهوم می‌گوید: بازنمایی، تولید معنی برای مفاهیم درون ذهن ما از طریق زبان است. بازنمایی حلقه پیوند میان مفاهیم و زبان است و ما را قادر می‌سازد تا جهان واقعی اشیاء، آدمیان، و رویدادها را به جهان انگارشی اشیاء، آدمیان و رویدادهای تخیلی ارجاع دهیم (هال، ۱۳۸۷، ص ۳۵۰-۳۵۱).

۱- عفاف

عفاف و عفت از ریشه «عفف» به معنای خودداری از آن‌چه حلال و زیبا نیست، می‌باشد (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۹۰). عفاف در لغت پارسی به معنای باز ایستادن از حرام و پارسایی نمودن و خودداری از آن‌چه جایز و نیکو نیست آمده است؛ خواه در گفتار، خواه در کردار

(دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۲، ص ۲۳۲). دهخدا و معین، عفت را پاکدامنی و نهفتگی و احتراز از محرّمات خصوصا شهوت حرام معنا نموده‌اند (معین، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۲۳۱۹).

عفاف اصطلاحی اخلاقی است و عالمان اخلاق، عفاف را یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی دانسته و در مورد آن سخن رانده‌اند؛ ملاحمد نراقی درباره عفت می‌گوید: عفت عبارت است از مطیع و منقاد شدن قوه شهویه از برای قوه عاقله؛ رهایی از دست هوا و هوس و خلاصی از بندگی قوه شهویه (نراقی، بی‌تا، ص ۲۴۷-۲۴۳).

با جمع‌بندی تعاریف، می‌توان گفت این واژه، به معنای کنترل شهوت در حد اعتدال و تبعیت آن از عقل است؛ در این مقاله به صورت خاص به معنای «کنترل شهوت جنسی» از عفاف توجه می‌شود که گفتار و رفتار خاصی را در مقابل نامحرم می‌طلبد.

۲- مولفه‌های عفاف در ارتباط زن و مرد

در استخراج مولفه‌های ارتباط عقیفانه زن و مرد، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (عابدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). برای این کار از منابع دینی، مجموع ۱۷ آیه و ۱۳۹ روایت گردآوری شده و با شاخص‌بندی آنها، مولفه‌های عفاف در روابط زن و مرد تالیف گشته است. مولفه‌های عفاف در ارتباط زن و مرد را می‌توان به دو گروه مولفه‌های کلامی و غیر کلامی تقسیم کرد:

۱-۲- مولفه‌های عفاف در روابط کلامی

روابط عقیفانه بین زن و مرد، پیام‌هایی را برای رد و بدل شدن میان دو جنس می‌پسندد، که شهوت انگیز نبوده و فکر را از حالت عادی به سوی موهومات شهوانی خارج نسازد. بنابراین عفاف اسلامی در رابطه‌ای که دو سوی آن زن و مردی نامحرم قرار گرفته اند، آنها را مجاز به استفاده از هر سخنی نمی‌داند. مولفه‌های حفظ حریم در کلام را می‌توان در سه گروه کلی جای داد: ۱- لحن کلام؛ ۲- میزان کلام؛ ۳- محتوای کلام (شوخی / ناسزا / کلمات دوپهلوی جنسی).

۱-۲-۱- لحن کلام

صدای شخص به اندازه حرکات بدن، چهره و چشم‌ها، اطلاعات به دیگران منتقل می‌کند. بسیاری از عواطف مشخص دیگران را می‌توان به درستی فقط از طریق نشانه‌های بیانی دریافت. در حقیقت درک بسیاری از عواطف گوناگون افراد فقط از طریق شنیدن نحوه‌ی ادای کلمات و جملات آنها و آن هم با توسل به الفبا میسر است (بایر، هداوند، ۱۳۸۹، ص ۵۷-۵۸). با توجه به تفاوت صدای زن و مرد و ظرفیتی که در صدای زن برای به هیجان افکندن مرد وجود دارد، قرآن کریم، به طور خاص، بانوان را به لحن کلام خاصی در مخاطب با نامحرمان رهنمون می‌سازد: *فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ*: پس بگونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند (احزاب، ۳۲). در تفاسیر، درباره «خضوع در کلام» این گونه آمده است: خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه، و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتش را بر انگیزانند (موسوی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۰-۴۶۱)، بنابراین هنگام سخن گفتن، با مردان، صدای زنان فریبنده نباشد (مترجمان، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲) بلکه جدی و معمولی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۹) و همچنین می‌توان گفت منظور از خاضع نبودن کلام

این است که گفتار به گونه‌ای ادا نشود که گویی نامحرم را دوست دارد (خانی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۴۵۰).

از دیگر مواردی که در عفاف کلامی بین زن و مرد وارد شده است و می‌توان، آن را در بخش لحن کلام مطرح ساخت، منع آواز خواندن زن در مقابل مردان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَجْرُ الْمُغَنِّيَةِ الَّتِي تَزْفُّ الْعَرَائِسَ لَيْسَ بِهِنَّ بِأَسْرُءَ لَيْسَتْ بِالَّتِي يَدْخُلُ عَلَيْهَا الرَّجَالُ»؛ کسب زن آوازه‌خوان در عروسی و در جایی که «مردان در مجلس نباشند» اشکال ندارد (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۶۱). جمله و لیست بالتی... به منزله تعلیل است. حرمت اجرت خواننده زن به این دلیل است که مردان در مجلس زنانه حضور یافته، صورت و حرکات ایشان را می‌بینند (زعفرانچی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۷-۳۵۶). بنابراین خوانندگی زن در مقابل مردان نامحرم، خارج از چارچوب عفاف اسلامی است.

۲-۱- میزان کلام

گزیده‌گویی و بسنده کردن به موارد ضروری در سخن گفتن دو جنس، امری مطلوب و مورد تاکید در نظام عفاف اسلامی است. در روایتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: چهار چیز قلب را می‌میراند: ... گفتگوی زیاد با زنان (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۹۷).

۳-۱- محتوای کلام

- قول معروف

واژه قول معروف در چند جای قرآن کریم استفاده شده است، اما آیه‌ای که به‌طور خاص راجع به نوع سخن گفتن بانوان با مردان نامحرم از این واژه استفاده نموده است، آیه ۳۲ سوره احزاب است که می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا». در مورد خضوع در کلام، در بخش لحن کلام توضیح داده شد. منظور از قول معروف در این

آیه که در واقع اشاره به محتوای سخن بانوان دارد، سخن معمول و مستقیم است. سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را پسندیده بداند و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند (موسوی همدانی، بی تا، ج ۱۶، ص ۴۶۱). قول معروف معنی وسیعی دارد که هر گونه گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷، ص ۲۸۹). بر اساس این آیه یکی از مولفه‌های عفاف بین دو جنس، چارچوب کلام و نوع واژگان انتخابی برای سخن گفتن است. واژگانی که مورد پسند عرف متشرع جامعه بوده و متانت زن را در هنگام صحبت با نامحرم، حفظ می‌کند. طبیعتاً کلماتی که دارای بار عاطفی بوده و روایت‌گر رقت قلب زن و مهربانی او در مقابل نامحرم است، در چارچوب قول معروف نمی‌گنجد.

– عدم استفاده از محتوای شهوت‌انگیز و کلمات دو پهلوئی جنسی

کلمات گزینشی زن و مرد در ارتباط با یکدیگر باید خالی از تحریک‌های جنسی بوده و از این جهت، بار معنایی خنثی داشته باشد. همچنین به کار بردن الفاظ دوپهلوی که مخاطب را در مورد معنای مورد نظر به شک انداخته و امکان تحریک او را موجب می‌شود در چارچوب روابط عقیفانه نمی‌گنجد. خداوند نیز به عنوان تنظیم‌کننده نظام روابط عقیفانه، نهایت عفت را در بیان مسایل جنسی رعایت می‌نماید. به طور مثال در قرآن مبین، به جای استفاده از لفظ جماع به لامستم‌النساء روی می‌آورد و در پیچش کنایی، منظور خود را به مخاطب می‌فهماند. امام صادق علیه السلام در توضیح انتخاب این لفظ به جای لفظ «جماع» در آیه شش سوره مائده، می‌فرماید: خداوند پوشیده و مستور است و خود پوشش و پردگی را دوست می‌دارد و لذا آنچه شما می‌نامید تعبیر نکرده است (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۵، ص ۵۵۵).

- شوخی نکردن با نامحرم

طبق روایات، کلامی که فرد عقیف در مقابل جنس مخالفش به کار می‌برد، باید خالی از شوخی و مزاح باشد. مزاح، پرده حریم‌ها را می‌برد و بین افراد، الفت و صمیمیت ایجاد می‌کند و می‌تواند روابط زن و مرد را به حرام تبدیل سازد. رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: هر کس با زن نامحرم شوخی کند، برای هر کلمه‌ای که در دنیا با او سخن گفته است هزار سال او را در دوزخ زندانی می‌کنند (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۱۴).

۲-۲- مولفه‌های عفاف در ارتباط غیر کلامی

در این بخش مولفه‌های ارتباط غیر کلامی بیان شده و معیار عفاف در آنها بررسی می‌شود. این مولفه‌ها که همچون روابط کلامی به صورت استقرایی از منابع قرآنی و روایی استخراج شده‌اند عبارتند از: پوشش، کنترل نگاه، عدم لمس، ممنوعیت اختلاط، خلوت نکردن، رفتارهای همراه با متانت، عدم رفاقت، استیذان و تبرج.

۱-۲-۲- پوشش

از آن جا که تحریک کنندگی بدن مرد برای زن به اندازه محرک بودن زن برای مرد نیست و نیز به سبب نوع وظیفه‌ای که مرد در جامعه دارد، پوشیدن تمام بدن از مرد خواسته نشده است (ثابت، ۱۳۸۷، ص ۲۴۴). گرچه در اسلام مرد برای حضور در اجتماع به پوشش تمام بدن ملزم نیست، ولی این مسئله نیز روشن است که پوشش کامل برای مرد بایسته اخلاقی و نشانه شخصیت اوست و مرد از نظر عرفی خود را موظف به پوشش کامل می‌بیند (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۹۹). پوشش و لباس برای بانوان در برابر جنس مخالف، گسترده‌تر از پوشش مرد بوده و دارای شرایطی است. یکی از دلایل این تفاوت در حکم، به ویژگی‌های متفاوت روحی زن و مرد برمی‌گردد. سیمون دوبوار، یکی از این تفاوت‌های روحی را این‌گونه بیان می‌نماید:

لباس مرد مثل پیکرش باید تعالی او را نشان دهد، نه آن که نگاه را متوقف کند. برای او، خوش پوشی و زیبایی مبتنی بر این نیست که خود را شیء کند، به همین جهت به طور عادی ظاهر خود را به مثابه بازتابی از وجودش در نظر نمی‌گیرد. به عکس جامعه از زن می‌خواهد که خود را به شیئی اروتیک بدل کند. لباس، اعم از این که پیکر را تغییر دهد، یا قالب تن باشد، پیکر را تسلیم نگاه‌ها می‌کند (دوبوار، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۸-۴۰۹).

حدود پوشش: می‌توان از مجموع روایات، چنین جمع‌بندی نمود که حداکثر پوشش واجب، تمام بدن به جز دست‌ها تا میچ و صورت است؛ رسول اکرم فرمود: همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و این - اشاره فرمود به چهره و قسمت میچ به پائین دست خودش (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۲) و حداقل آن مکشوف گزاردن دست‌ها تا میچ و گردی صورت و دو قدم است؛ مروک‌بن عبید به نقل از یکی از شیعیان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در صورتی که مرد، محرم نباشد، حلال است به کدام قسمت زن بنگرد؟ فرمود: چهره، دو دست و قدم‌ها (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۲۱). هر چند برخی مراجع پوشش صورت و دست‌ها را نیز در شرایطی واجب می‌دانند، چنان که آیت‌الله صافی درباره زنی که می‌داند به جهت چهره زیبایی که دارد، مردان نامحرم به او نگاه می‌کنند می‌فرماید باید چهره خود را در برابر نامحرم بیوشاند و حضرات آیات بهجت، تبریزی و وحید می‌فرمایند: اگر باعث جلب توجه مرد نامحرم شود، بنا بر احتیاط واجب باید چهره خود را بیوشاند؛ اما اکثر علما به جواز آن رای داده‌اند.

پوشش مطمئن: پسندیده آن است که بانوان از پوششی استفاده کنند که در شرایط مختلف بتواند بدن آنها را پوشیده نگاه دارد. در روایتی از امام علی علیه السلام، این مراقبت به‌خوبی توضیح داده شده است، ایشان می‌فرمایند: من و پیامبر در یک روز ابری و بارانی در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر الاغ از آن جا گذشت و دست الاغش در گودالی فرو رفت و زن

به زمین افتاد. پیامبر ﷺ رویش را برگرداند. حاضران عرض کردند: ای رسول خدا! آن زن شلوار به پا دارد. پیامبر سه بار فرمود: خدایا! زنان شلوار پوش را بیامرزد. ای مردم! شلوار بیوشید که شلوار پوشاترین جامه‌های شماسست و زنان خود را در موقعی که بیرون می‌آیند با شلوار حفظ کنید (ورام، بی تا، ج ۲، ص ۷۸). بنابراین لباس زن باید به گونه‌ای باشد که با ورزش باد و یا از بین رفتن تعادل انسان، بدن را نمایان نسازند.

پوشش ضخیم: لباس در چارچوب عفاف اسلامی، باید به گونه‌ای باشد که بدن از زیر آن نمایان نباشد. اسماء دختر ابوبکر به خانه پیغمبر اکرم آمد در حالی که جامه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول اکرم روی خویش را از او برگرداند و فرمود: ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و این - اشاره فرمود به چهره و قسمت مج به پائین دست خودش (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۲).

پوشش غیرتنگ: غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و چون اندام بانوان به طور طبیعی قسمت‌های برجسته‌ای دارد، پوشش آنان باید به گونه‌ای باشد که قسمت‌های برجسته بدن را بپوشاند تا باعث تحریک جنسی نگردد. بنابراین طبیعی است که استفاده بانوان از لباس تنگ و چسبان در بیرون از منزل نه تنها قسمت‌های برجسته بدن آنان را نمی‌پوشاند که آنها را برجسته‌تر نیز نشان می‌دهد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۱-۵۰).

رنگ پوشش: رنگ پوشش در انسان تغییرات روحی و جسمی به وجود آورده و در فرد القاء اثر می‌کند (میرغفوری، ۱۳۷۳، ص ۴۷). بنابراین رنگ توانایی تحریک عواطف دارد. یکی از ملاک‌های پوشش بانوان در عرصه‌های عمومی این است که رنگ تهییج کننده نداشته باشد.

۲-۲-۲- کنترل نگاه

عفاف اسلامی زن و مرد نامحرم را از نگاه‌های خیره و ممتد به یکدیگر باز می‌دارد. این نگاه می‌تواند فارغ از ارتباط برقرار کردن با طرف مقابل، صرف چشم‌چرانی در جذابیت‌های ظاهری وی باشد و یا می‌تواند نگاهی عاطفی برای دلبری از جنس مخالف باشد، نگاهی سرشار از شوق و رغبت که با استعداد فوق‌العاده‌ای که چشم انسان دارد، می‌تواند احساس قلب را به مخاطب منتقل کند. هرچند نگاه هوس‌آلود به جنس مخالف، بیشتر دامن‌گیر مردان غیرعقیف است، اما زنان نیز می‌توانند به این آلودگی دچار شده و نگاه‌های معنی‌داری به جنس مخالف داشته باشند؛ خداوند در قرآن هر دو گروه زنان و مردان را به کنترل نگاه دعوت می‌فرماید: به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند (نور، ۳۰).^۱ به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند (نور، ۳۱).^۲

لمس نکردن نامحرم: رعایت فاصله‌ها آن قدر مهم است که حضرت علی علیه السلام، کوفیان را به دلیل بی‌مبالاتی در این زمینه، سخت نکوهش می‌کند و می‌فرماید: ای مردم عراق! به من خبر رسیده که زنان شما در بین راه با مردان برخورد کرده و آنان را کنار می‌زنند، آیا شرم نمی‌کنید؟! (صابری، انصاری، ۱۳۷۵، ص ۵۲۹)

۲-۲-۳- ممنوعیت اختلاط

اختلاط زن و مرد موجب ایجاد جذب و کشش و در نهایت آلوده شدن آنها است که هم زن و مرد را از هدف اصلی خود یعنی فعالیت سالم اجتماعی و نتیجه بخش، محروم می‌سازد و هم جامعه از خدمات آنها محروم می‌شود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از اختلاط زن و

۱. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ.

۲. وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ.

مرد، مسلمین را به رعایت نکاتی احاله دادند، مانند رفت و آمد در شهر که برای جلوگیری از تزاخم زن و مرد، آن را با آداب خاصی توصیه نموده اند: زنان از میان مسیر عبور نکنند، بلکه در کنار دیوار و راه حرکت کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۸۳).

۴-۲-۲- خلوت نکردن با نامحرم

زن و مرد برای پایداری عفاف در رابطه شان باید از ایجاد رابطه در خلوات دوری گزیده و حتی المقدمور روابط خود را در حضور دیگر افراد برقرار سازند. حضور دیگران خود به عنوان عاملی کنترل کننده، زن و مرد را از انجام افعال غیرعقیفانه منصرف ساخته و آنها را از تمرکز فکری بر یکدیگر باز می‌دارد. تنها ماندن زن و مرد آن قدر به فساد نزدیک است که شیطان خود فتنه انگیزی این رابطه را به عهده می‌گیرد و در خطاب به حضرت موسی عرض می‌کند اگر مرد و زنی تنها شوند من خود به سراغشان می‌روم و به کس دیگری واگذار نمی‌کنم (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۶۶).

۵-۲-۲- رفتارهای همراه با متانت

زبان بدن و پیام‌هایی که از طریق آن به مخاطب منتقل می‌شود، بسیار گسترده و عمیق است. چه بسا بانویی دارای حجاب کامل و یا حتی حجاب برتر یعنی چادر باشد، اما رفتاری غیرعقیفانه و بدون متانت داشته باشد. قرآن کریم، برای توصیف رفتار عقیفانه، از شیوه راه رفتن دختر حضرت شعیب می‌فرماید: پس یکی از آن دو زن - در حالی که به آزر مگام بر می‌داشت - نزد وی آمد [و] گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آبدادن [گوسفندان] برای ما، مزد دهد (قصص، ۲۱۵).^۱ بنابر آیه، دختر حضرت شعیب همان طور که در انتخاب

۱. فَجَاءَتْهُ إِخْلَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا.

کلام خود با حضرت موسی که مردی نامحرم بود، به اختصار اکتفا نمود، در منش و نوع راه رفتن خود نیز جوانب حیا را رعایت نموده است.

۶-۲-۲- رفاقت با نامحرم

ابراز علاقه و برقراری روابطی صمیمانه بین زن و مرد که در آن دو جنس نامحرم از مصاحبت با یکدیگر انس گرفته و لذت می‌برند، خارج از محدوده عفاف اسلامی است. خداوند در قرآن کریم دوستی با جنس مخالف را نهی کرده و می‌فرماید: محصنات غیر مسافحات و لا متخذات اخدان (نساء، ۲۵) و لا متخذی اخدان (مائده، ۵). آن چه که از کلمات لغویین و ظاهر آیه مشخص است اظهار علاقه و دوستی بین نامحرم، برای تبانی بر هر نوع لذت و استمتاع جنسی نهی شده است (علم الهدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳). به کار بردن چنین واژه‌ای از سوی خداوند ناظر به این است که دوستی، هم‌رازی و هم‌صحبتی یک دختر و پسر غالباً نمی‌تواند به دور از مسائل خصوصی باشد و قطعاً چنین رابطه‌ای، پیروی از شهوت و هوای نفس را به دنبال دارد (علم مهرجردی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳).

۷-۲-۲- استیذان

استیذان به معنی طلب اذن و اجازه گرفتن، یکی از مهم‌ترین اصولی است که به حفظ حریم میان زن و مرد کمک می‌نماید. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که: رسول خدا از وارد شدن مردان بر جمع زنان بدون اجازه آنها نهی فرمود (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۳۶۰).

۸-۲-۲- تبرج

تبرج آن است که زن زیبایی‌های خود را اظهار کند و اصل آن به معنی ظهور است و به عبارت دیگر از آن جهت برج گویند که ظاهر و هویداست (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۷۴).

آیه ۳۳ سوره احزاب^۱ بانوان را از هر گونه فعلی که باعث جلب توجه و خوشامد نامحرم شود و او را جذب ویژگی‌های جنسی زن نموده و سبب تلذذ جنسی او شود منع فرموده است. یکی از مصادیق تبرج، ظاهر ساختن زینت در برابر نامحرم است، زیرا زینت باعث جلوه دادن به زیبایی‌های زن و چشم دوختن نامحرم به او می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: زینت‌های شان را آشکار نکنند (نور، ۳۱). زینت در عربی، از کلمه زیور فارسی اعم است. زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا می‌باشد مانند طلاآلات و جواهرات ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است نظیر سرمه و خضاب (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱). به کار بستن بوی خوش نزد نامحرم نیز به نوعی تبرج محسوب می‌شود. هر چند اسلام سفارش بسیاری به استعمال بوی خوش دارد (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۴۱). اما به خاطر پیامدهایی که معطر بودن زنان نزد نامحرم می‌تواند داشته باشد، بانوان را از این کار نهی فرموده است. رسول خدا ﷺ فرمودند: هر زنی که خویش را خوشبو سازد و سپس از خانه‌اش بیرون رود لعنت می‌شود تا به خانه‌اش بازگردد (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۸).

۲- روش تحقیق

در این تحقیق با رویکرد نشانه‌شناختی به تحلیل بازنمایی روابط زن و مرد در فیلم سینمایی سعادت‌آباد پرداخته می‌شود. برای این مقصود از روش «تحلیل رمزگان» جان فیسک، جهت بررسی لایه‌های مختلف رمزگذاری شده در فیلم‌ها استفاده می‌شود. این روش تحقیقی، روش مناسبی جهت تحلیل متون ارتباطی مورد نظر است و تا حد امکان روشی جامع و کامل برای انجام یک کار پژوهشی کیفی می‌باشد؛ زیرا فیسک علاوه بر اینکه از رمزگان

۱. لَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى

اجتماعی و فنی استفاده می‌کند، بر رمزگان ایدئولوژیک تاکید دارد و بنابراین برای کشف معانی پنهان و کلیدی فیلم در مورد عفاف، می‌تواند کمک شایانی نماید. طبق دیدگاه فیسک رمزها دارای سه سطح هستند: واقعیت، بازنمایی، ایدئولوژی. به عبارت دیگر واقعه‌ای که قرار است به فیلم سینمایی تبدیل شود، قبلا با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است، یعنی سطح واقعیت و برای این که به لحاظ فنی قابل پخش باشد، از فیلتر رمزهای فنی می‌گذرد و به وسیله رمزگان ایدئولوژیک در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می‌گیرد (فیسک، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸-۱۲۷). در جدول ذیل، سطوح رمزگان جان فیسک، بیان شده است:

جدول (سطوح مختلف رمزگان جان فیسک)

واقعته‌ای که قرار است از تلویزیون پخش شود، پیشاپیش با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است مثل: ظاهر، لباس، چهره پردازی، محیط، رفتار، گفتار، حرکات سر و دست، صدا و غیره	واقعیت (رمزگان اجتماعی)	سطح ۱
رمزهای اجتماعی را رمزهای فنی به کمک دستگاه‌های الکترونیکی رمزگذاری می‌کنند. برخی از رمزهای فنی عبارت‌اند از: دوربین، نورپردازی، تدوین، موسیقی و صدابرداری که رمزهای متعارف بازنمایی را انتقال می‌دهند و رمزهای اخیر نیز بازنمایی عناصری دیگر را شکل می‌دهند، از قبیل: روایت، کشمکش، شخصیت، گفتگو، زمان و مکان، انتخاب نقش آفرینان و غیره.	بازنمایی (رمزگان فنی)	سطح ۲
رمزهای ایدئولوژی، عناصر فوق را در مقوله‌های «انسجام» و «مقبولیت اجتماعی» قرار می‌دهند. برخی از رمزهای اجتماعی عبارت‌اند از: فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی گرایی، سرمایه داری و غیره.	ایدئولوژی (رمزگان ایدئولوژیک)	سطح ۳

جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از اسناد کتبی کتابخانه‌ای و اسناد تصویری یعنی فیلم، صورت گرفته است. مولفه‌های عفاف در روابط زن و مرد از متون قرآنی و روایی استخراج شده و سپس در قالب ملاک‌های مشخصی ارائه شده است. در نهایت فیلم منتخب بر اساس مولفه‌های به‌دست آمده از متون دینی، تحلیل می‌شود.

۳- تحلیل فیلم سینمایی سعادت‌آباد

۱-۴- خلاصه فیلم

فیلم سعادت‌آباد روایتی است از یک شب چند خانواده: یاسی و محسن؛ تهمینه و بهرام؛ لاله و علی. یاسی قصد دارد برای همسرش جشن تولد بگیرد و به این خاطر دوستان خانوادگی را به خانه دعوت می‌کند تا شب خوشی را در پیش داشته باشند. اما اتفاقاتی این شب را برای این جمع دوستانه تلخ می‌سازد. لاله به خاطر موقعیت شغلی خود سفری به آلمان را در برنامه دارد و به این خاطر بدون اطلاع به همسرش، بچه خود را سقط می‌کند و دوران نقاهت خود را به بهانه سفری کاری در خانه یاسی طی می‌کند. این قضایا در فیلم نمایش داده نمی‌شود، بلکه بیننده در میان دیالوگ‌های کاراکترها متوجه داستان زندگی هر یک می‌شود. علی که مرد شکاک و بدبینی است به تلفنی که شیوا به همسرش می‌زند مشکوک می‌شود و با پیگیری، متوجه سقط جنین توسط لاله شده و با او درگیری فیزیکی پیدا می‌کند. او با تمام افراد حاضر به دلیل مخفی کاری و همراهی با لاله درگیر می‌شود. اتفاق تلخ دیگر، غرق شدن جنس‌های قاچاقی است که محسن آنها را خریداری کرده است. در سراسر فیلم او به دنبال هماهنگی با همکاران خود در محل حادثه برای پیدا کردن اجناس از داخل آب است. در آخر نیز برای یاسی مشخص می‌شود که محسن برای کلاهبرداری از بهرام، چنین دروغ بزرگی را بیان کرده است. سیمین دختر کارخانه‌داری است که بهرام در آن مشغول به کار است. او نیز با بهرام مشکل

دارد و قصد دارد از بهرام جدا شود. تمام این سه داستان، به موازات یکدیگر پیش می‌رود. در آخر همگی با باری از مشکلات حل نشده به خانه‌های خود برمی‌گردند.

۲-۴- رمزگان اجتماعی

شخصیت‌های داستان متعلق به طبقه مرفه جامعه هستند، سیمین دختر کارخانه‌دار بزرگی است و بهرام همسر آن در این کارخانه مشغول فعالیت است. محسن نیز به تجارت می‌پردازد و از جهت مالی در سطح بالایی قرار دارد. علی نیز از خانه و ماشین شخصی بهره‌مند است و طبق گفته‌های خود، درآمد خوبی دارد. فیلم به محل زندگی یاسی و محسن که در قسمت بالای شهر قرار دارد -سعادت‌آباد- نیز اشاره می‌کند. خانه‌های شخصی بزرگ و دارای استخر، وسایل قیمتی داخل خانه، چیدمان داخلی، ماشین و گوشی‌های همراه مدل بالا، همگی نشانه‌هایی دال بر رفاه اقتصادی این افراد است.

شخصیت‌های فیلم، علاوه بر رفاه اقتصادی از نظر تحصیلات و فرهنگ اجتماعی نیز در طبقه مطلوبی قرار دارند. علی دکترا دارد و استاد دانشگاه است. بهرام را گاهی با لفظ مهندس صدا می‌زنند که نشان از تحصیل کرده بودن وی دارد. لاله شاغل است و برای آن می‌خواهد سفری به خارج از ایران داشته باشد. گویا یاسی نیز قبل از ازدواج شاغل بوده است.

۳-۴- رمزگان فنی

۱-۳-۴- زمان و مکان

فیلم محصول ۱۳۹۰ است، از مدل گوشی‌ها و لباس‌ها، وسایل، فروشگاه‌ها و... مشخص است که روایت فیلم مربوط به زمان حاضر است.

مکان فیلم خانه‌ای در سعادت‌آباد است؛ محله‌ای در بالای شهر تهران. غالب صحنه‌های فیلم به جز چند پلان در خانه یاسی رخ می‌دهد. ابتدا گمان بر این است که ساکنان این محله همان‌طور که از نامش پیداست زندگی سعادت‌مندان‌ای دارند. داستان فیلم درون یک خانه اتفاق می‌افتد. از آن جهت که خانه محل صمیمی‌تری نسبت به مکان‌های عمومی است و به نوعی جزء حریم خصوصی انسان قلمداد می‌شود، انتخاب این محیط بیشتر توانسته آمیختگی زن و مرد با هم و روابط غیرعقیدانه آنها را بازنمایی کند.

۲-۳-۴- دیالوگ

۱- گفتگوی صمیمانه با نامحرم

الف) استفاده از کلمات محبت‌آمیز: در این فیلم زنان و مردان با صمیمیت کامل یکدیگر را مورد خطاب قرار می‌دهند و با هم گفتگویی بی‌تکلف و عاطفی دارند. آنها (به جز علی) یکدیگر را با نام کوچک و به همراه پسوندهای محبت‌آمیز صدا می‌زنند. برای مثال ابتدای ورود علی و لاله، یاسی از آنها پذیرایی می‌کند و گفتگوی زیر شکل می‌گیرد:

«یاسی: علی جون بفرمایید.

علی: دستتون درد نکنه.

یاسی: هرچی خواستی اون جا هست‌ها.

علی: باشه بخوام برمی‌دارم.

یاسی: یه وقت تعارف نکنیا!»

ب) سخنان عاشقانه با نامحرم: عشق به زنی متاهل، از مهم‌ترین مولفه‌های غیرعقیدانه این فیلم به شمار می‌رود. بهرام عاشق یاسی است و مخاطب از نوع نگاه، حالات صورت و

سخنان بهرام متوجه این عشق می‌شود. اوج ابراز این عشق در گفتگوی دو نفره یاسی و بهرام در بالکن مشاهده می‌شود:

«بهرام: [با لحنی عاشقانه و رقت انگیز] غذات عالی بود.

یاسی: آره؟

بهرام: آره مثل همیشه.

یاسی: یه چیزی ازت بپرسم بهم راستشو می‌گی؟

بهرام با حالت چشم تایید می‌کند.

یاسی: تو به محسن پول قرض دادی واسه غواصا؟

بهرام: نه.

یاسی: گفتی راستشو می‌گی.

بهرام: آره من بش دادم ولی بهش نگو.

یاسی: چرا این کارو کردی؟

فکر نمی‌کنی اگه ته‌مینه بفهمه چی می‌شه؟

بهرام: قرار نیست کسی بفهمه.

یاسی: اون می‌فهمه. برا چی به خاطر محسن خودتو می‌ندازی تو دردسر؟

بهرام: [در حالی که مهربانانه یاسی را نگاه می‌کند] به خاطر اون نبود. «بهرام با نوع نگاه

خود به یاسی می‌فهماند که همه این کارها به خاطر توست، در این هنگام یاسی که منقلب

شده، آب دهان خود را فرو می‌برد و بحث را عوض می‌کند.

ج) درد دل با نامحرم: از دیگر مواردی که در گفتگوی شخصیت‌های فیلم مشاهده می‌شود، درد دل با غیر همسر و دلسوزی و همدلی با اوست. در این قسمت به دو صحنه پرداخته می‌شود؛ یکی صحنه‌ای است که یاسی و بهرام در بالکن تنها می‌شوند و درباره مسائل خود سخن می‌گویند.

«یاسی: تو و تهمینه میونتون خراب شده؟»

بهرام: قراره یه مدتی جدا از هم زندگی کنیم.

یاسی: یعنی چی؟

بهرام: بابای بچه‌هاش زن گرفته.

یاسی: می‌دونم بهم گفت.

بهرام: می‌خواد بره لندن به گل پسرش برسه.

یاسی: حیف نیست؟

بهرام: چه حیفی؟ این جوری برای هر دو تا مون بهتره. وقتی منو نمی‌خواد، نمی‌خواد باهام زندگی کنه.

یاسی: تو چی؟»

در این موقع بهرام سکوت می‌کند و نگاه خواهشانه و عاشقانه‌ای به یاسی می‌کند و به او می‌فهماند من تو را می‌خواهم، نه تهمینه و نه هیچ کس دیگر را، به همین دلیل است که از یاسی درباره زندگی‌اش می‌پرسد:

«بهرام: یاسی! تو از زندگی راضی‌ای؟»

یاسی: آره.

لبخند غم انگیز بهرام (لبخند بهرام نشان از آگاهی او از ناراضی بودن یاسی و دروغش دارد).

یاسی: [با خنده] چیه؟

بهرام: هیچی. به جورایی خسته به نظر می‌رسی.»

در این موقع محسن از راه می‌رسد و آنها را برای خوردن کیک به داخل فرا می‌خواند. یاسی سوال بهرام را بی جواب می‌گذارد و با لبخند می‌رود. گویی بهرام می‌خواهد ناراضی بودن یاسی از زندگی‌اش را عیان کند تا مسیرش برای رسیدن به این عشق، هموارتر گردد.

۲- شوخی کردن با نامحرم

در سعادت‌آباد، زنان با مردان نامحرم شوخی می‌کنند و از این کار ابایی ندارند. در سکansı که بهرام پاسپورت لاله را به او داده و از انجام شدن اقدامات مربوط به ویزا برای رفتن وی به آلمان خبر می‌دهد، با شوخی به لاله می‌گوید:

«بهرام: من برم مزدگونیمو از علی بگیرم.

لاله: لوس نشو بیا این جا. حواست باشه علی نفهمه پاسپورتمو دادم بهت. شر می‌شه.

بهرام: واسه چی؟ تحفه‌ای می‌ترسه بدزدنت؟

لاله: معلومه! از کجا می‌تونه زن به این خوشگلی پیدا کنه؟»

۳- گفتگوی غیر ضروری با نامحرم

در چارچوب زندگی شخصیت‌های فیلم، مولفه‌ای به نام اکتفا به حداقل در صحبت با نامحرم وجود ندارد، گویی مرزی بین محرم و نامحرم نیست. حد سخنان زنان با هم‌جنس و غیر هم‌جنس مساوی است و حریمی در این زاویه دیده نمی‌شود؛ به عنوان مثال می‌توان به گفتگویی که سر میز شام بین زنان و مردان شکل می‌گیرد، اشاره کرد:

«یاسی: می‌دونین آخرین باری که من این غذا رو درست کردم کی بود؟»

بهرام: نه

تهمینه: فکر می‌کنم بازارچه خیریه پارسال بود. یه ساعته همه غذاها تموم شد.

بهرام: آره آره اون روز منم اومدم. تهش به من رسید. دیگه هم یادم نمیداد پخته باشی.

محسن: اون شب که من و منا و مادرم اومدیم خواستگاریت.

بهرام: تو قبل خواستگاریتم خورده بودی که! تو سفر ماسوله.

محسن: تو ماسوله که از این خبیرا نبود.

بهرام: تو کدوم سفر ماسوله رو می‌گی؟

لاله: بهرام! اون سفری که تو می‌گی اصن محسن با ما نبود.»

۴- آواز خواندن زنان نزد نامحرم

در صحنه‌ای دیگر، هنگامی که یاسی از محسن می‌خواهد شمع‌ها را فوت کند، او از همسرش و از بقیه می‌خواهد که آواز بخوانند و می‌گوید:

«محسن: آواز می خونیم، دونه دوتون هم باید بخونید. من می خونم تو هم باید بخونی
عیال ... همه باید بخونن حتی یه جمله ... علی جون بخون.

لاله: علی نمی تونه.

محسن: یعنی چه؟

لاله: بلد نیست.

محسن: پس چی بلده؟

لاله: با خنده اذیتش نکن.

محسن: پس خودت بخون.

لاله: چی بخونم؟ اِبی بخونم؟

محسن: ...از این جدیدا بخون، سوسن خانم، ابرو قشنگ، می خوام برم خواستگاری
خونتون، بی پدر».

بنابراین گفتگو محسن می گوید تک تک اعضا باید بخوانند ولو یک جمله. از دیالوگ‌ها
مشخص است که منظور، آواز دسته جمعی نیست. سپس لاله، به تنهایی خواندن را آغاز
می کند و پس از چندی، دیگر زنان او را همراهی می کنند.

۳-۳-۴- موسیقی

از نکته‌های قابل توجه فیلم، استفاده نکردن از موزیک متن است. اگر هم موسیقی در
فیلم استفاده شده است، مربوط به داستان فیلم می‌شود، یعنی آهنگی است که یاسی در ماشین
و یا در خانه خود پخش کرده است. یکی از نمونه‌های آن موسیقی است که یاسی هنگام شام

خوردن پخش می کند [یک کر خوانی کلاسیک خارجی] این موسیقی هیجانی به همراه تبادل نگاه یاسی و بهرام، دوباره اشاره‌ای است به این عشق فرو خورده شده بین این دو نفر.

در دو صحنه، شخصیت‌ها شروع به آواز خوانی می کنند، یکی صحنه‌ای است که محسن شوهر یاسی، از میهمانان درخواست می کند آواز بخوانند. ابتدا لاله به صورت تک‌خوانی آغاز می کند، تهمینه نیز به او می پیوندد، سپس یاسی به این جمع اضافه می شود و در نهایت بهرام با آنها هم‌نوا می شود و در حالی که نگاهی حسرت‌بار به سوی یاسی دارد، می خواند: «تو پیچ و تاب عاشقی، به تو رسیدن سخته». به زبان آوردن چنین جملاتی به همراه نگاه عاشقانه به یک زن متاهل، خارج از مولفه‌های روابط عفیفانه است.

صحنه دیگر صحنه‌ای است که محسن و بهرام برای شاد کردن دل لاله برای او این آواز را می خوانند، «وقتی باد آروم آروم موتو نوازش می کنه. طبیعت، وجودتو اینقدر ستایش می کنه. وقتی که یواشکی خواب به سراغ تو می یاد. برای داشتن چشمای تو خواهش می کنه. این همه عاشق داری چطور حسودی نکنم؟»

محتوای این شعر، عاشقانه و عاطفی بوده و خواندن آن توسط دو نامحرم برای یک زن متاهل، بی‌عفتی در روابط زن و مرد قلمداد می شود. بدین ترتیب، موسیقی به کار گرفته شده در این فیلم، به نمایش اباحه‌گری و روابط آزاد بین زن و مرد کمک نموده است.

۴-۳-۴ - بازیگر

- نام بازیگر

در این فیلم، زنان با نام‌های یاسی، لاله و تهمینه معرفی می شوند و مردان با نام‌های علی، محسن و بهرام. در میان مردان، علی و محسن که نام‌های مذهبی دارند به خوبی بازنمایی نشده‌اند. علی، مردی شکاک، بدبین، سلطه‌گر و به قول سیمین دارای بیماری پارانویا

است.^۱ او فردی غیر منطقی و پایبند به آموزه‌های دینی است. در واقع او نماد مذهب است و تنها کسی است که دغدغه عفاف و حجاب دارد. زمانی که همسرش با مردان شوخی می‌کند و قهقهه می‌زند به او نگاه عتاب‌انگیزی می‌کند، دوست ندارد همسرش بدون ماتن در برابر نامحرم حاضر شود، می‌خواهد پرده کلفتی روی پنجره بزرگ خانه‌اش بکشد تا راحت باشند و از همسرش می‌خواهد سر کار نرود. هر چند که بسیاری از درخواست‌های او مانند درخواست صداقت از همسرش و یا عصبانیت او از دست به یکی کردن جمع برای قتل فرزندش و بی‌اطلاع بودن او، ناراحتی‌ای به جاست اما بازنمایی او در قالب فردی بی‌منطق، باعث می‌شود حرف حق او نادیده گرفته شود.

انتخاب نام «علی» برای فردی که غیرتش به تعصب و نوعی بیماری شبیه است، به دست و پا گیر بودن و بی‌فایده بودن مذهب برای جامعه امروزی اشاره دارد. در واقع محدودیتی که او برای همسرش ایجاد می‌کند، محدودیتی است که مذهب برای زنان ایجاد کرده است. بنابراین نام او به مذهب پیوند می‌خورد.

محسن دیگر فردی است که نامی مذهبی دارد. او فردی است که جنس قاچاق وارد می‌کند و نزدیک‌ترین دوست خود یعنی بهرام را فریب می‌دهد و به همسر خود دورغ می‌گوید. از طرف دیگر گویی او با پرستار دختر خود نیز رابطه دارد. و با همسر خود رابطه چندان خوبی ندارد. انتخاب نامی مذهبی برای چنین فردی نیز قابل تامل است.

بهرام تنها مردی است که نامی ایرانی دارد و از طرف دیگر بهتر از آن دو بازنمایی شده است. هر چند او نیز با همسر خود رابطه دوستانه‌ای ندارد اما با کنار هم گذاشتن دیالوگ‌های مختلف، مخاطب می‌یابد که مشکل بیشتر از ته‌مینه است نه بهرام. زبان تیز و رفتار تحقیرآمیز

۱. «سیمین به بهرام: این پسر دیوونه است! پارانویا داره. ترسیدم به بلایی سر لاله بیاره»

تهمینه و خوار کردن بهرام به خاطر این که از خود کارخانه ندارد و زیردست پدر تهمینه است از مواردی است که باعث حق دادن مخاطب به بهرام می‌شود. به عنوان مثال زمانی که بهرام، کارخانه کوچک یکی از دوستانش را مسخره می‌کند، تهمینه در جمع با لحنی کنایه‌وار می‌گوید: «حداقل یه جایی رو داره که شش دونگش به نام خودشه». بنابراین در این فیلم مردان که نام‌های مذهبی دارند به خوبی بازنمایی نشده‌اند.

- لباس بازیگر

لباس شخصیت‌های فیلم لباس‌هایی درخور شان طبقه خود است، فاخر و شیک و در این مولفه فرقی بین زنان و مردان نیست. نکته مهم در مورد لباس بانوان این است که عفاف اسلامی را حاصل نمی‌کند. شخصیت‌های زن پس از ورود به خانه یاسی، لباس رویین خود را در می‌آورند. این برخورد نشان از آن دارد که شخصیت‌های فیلم مولفه‌ای به نام محرم و نامحرم را قبول ندارند و تنها فضای امنیتی جامعه است که آنها را مجبور به پوشش در خارج از خانه می‌کند. تنها یک نفر این مسئله برایش مهم است و او هم علی است. قبل از رسیدن به خانه‌ی یاسی، مانتو لاله خیس می‌شود. لاله از علی می‌خواهد به خانه برگردند تا آن را عوض کند اما نظرش تغییر می‌کند و می‌گوید: «ولش کن. مانتوئه دیگه. می‌رسم اونجا درش می‌یارم» علی ناراحت می‌شود و قول و قرارهای گذشته را به لاله یادآوری میکند. لاله نیز با طنزهای زنان می‌گوید قرار می‌نداشتیم و علی را ساکت می‌کند.

به طور کل لباس بانوان در سعادت‌آباد، در عرصه‌ای که نامحرم حضور دارد، در چارچوب عفاف اسلامی نیست. به صورتی از شال استفاده شده که قسمتی از مو، زیر گلو و گاهی گردن شخصیت‌های زن نمایان است، شال یاسی نیز به حدی نازک است که گوش او از زیر آن مشخص است و لباسش به صورتی است که برجستگی‌های بدن را نمی‌پوشاند. البته فیلم قصد دارد این افراد را بازتر از چیزی که نشان داده شد نمایش دهد هرچند به خاطر محدودیت‌های

پخش نمی‌تواند منظور خود را واضح‌تر بیان کند اما با دیالوگ‌های شخصیت‌ها به مخاطب می‌رساند که زنان در برابر نامحرم از لباسی پوشاننده و اسلامی استفاده نکرده‌اند. مانند زمانی که محسن به لاله می‌گوید: «باز که قشنگ کردین شما» و یا بهرام به همسرش می‌گوید: «به تهمینه خانم! سلام خوشگل شدی»

- شیوه رفتار

رفتار بازیگران به گونه‌ای طراحی شده که جایگاهی برای عفاف و حریم بین نامحرم قائل نیست. زنان به راحتی با مردان نامحرم گفتگو می‌کنند، شوخی می‌کنند، درددل می‌کنند، آواز می‌خوانند و در حین خوانندگی، از عشوه‌های زنانه و تحرک‌های خاص ابا ندارند. مردان را با اسم کوچک و با پسوندهای محبت آمیز صدا می‌زنند. با نامحرم خلوت می‌کنند، مانند صحنه‌ای که یاسی و بهرام در تراس مشغول صحبت هستند و یا یاسی و علی در اتاقی در بسته در مورد لاله حرف می‌زنند.

زنان برای میهمانی خود را می‌آریند مثلاً یاسی قبل از ورود میهمانان آرایش می‌کند و در حضور آنان گردنبنندی زینتی بر روی لباس خود آویزان کرده است و به طور کل با ظاهری زیبا نزد نامحرم حاضر می‌شوند. همانطور که در دیالوگ‌ها بیان شد، محسن از ظاهر لاله و بهرام از ظاهر تهمینه تمجید می‌کند. آن قدر این روابط عادی و معمولی نشان داده شده است که گویی این نوع از روابط و پوشش هیچ قبیحی ندارد و برعکس نشان دهنده سطح معاشرت بالای این طبقه است.

اختلاط زنان با مردان نیز در سراسر فیلم نمایش داده شد. هم‌چنین زنان از تماس فیزیکی و لمس با مردان نیز ابایی ندارند. در صحنه‌ای می‌بینیم که لاله با شوخی دست خود را بالا می‌آورد تا بهرام را بزند و او نیز حالت دفاعی به خود می‌گیرد. در صحنه‌ای دیگر، زمانی

که علی و بهرام درگیر شدند و لب بهرام خونی می‌شود، یاسی دست خود را جلوی صورت بهرام می‌برد تا با دستمال خون را پاک کند که بهرام دستمال را از او می‌گیرد و تشکر می‌کند. در صحنه‌ای دیگر وقتی بهرام و یاسی در آشپزخانه تنها هستند، بهرام سعی می‌کند یاسی را دلداری دهد و برای غرق شدن سرمایه محسن در دریا او را آرام کند. او با لحن دلسوزانه‌ای یاسی را صدا می‌زند و به طرف او می‌رود. در این لحظه دوربین روی لاله می‌رود که در حال آمدن به آشپزخانه است. در پلان بعد یاسی و بهرام را کنار یکدیگر میبینیم و یاسی در حال رفتن به سمت دیگری است. همان طور که بیان شد به علت محدودیت‌هایی که برای فیلم‌ساز وجود دارد، لمس به طور مشخص نمایش داده نشده است، اما مخاطب با کنار هم قرار دادن این صحنه‌ها متوجه می‌شود که این جمع دوستان خانوادگی، مرزی بین محرم و نامحرم قائل نیستند و رفتارشان با همجنس و ناهمجنس مساوی است. در این میان فقط علی است که رفتاری متفاوت دارد. او پایبند به عفاف است و دوست دارد همسرش نیز این آموزه‌ها را پایبند باشد. زمانی که لاله بلند می‌خندد و شوخی می‌کند به او نگاه تندی می‌کند و یا مهم‌ترین دغدغه اش نسبت به خانه جدیدشان، تهیه پرده‌ای کلفت برای پنجره است تا راحت باشند. زنان را با پسوند خانم صدا می‌زند و سعی می‌کند افعالی را که به آنها نسبت می‌دهد جمع ببندد. علی تنها فردی است که ادبیات دین مآبانه دارد رفتارهای مذهبی او در کنار بدبینی، شکاکی و عصبیت، باعث می‌شود که مخاطب تصویری منفی از دین پیدا کند و تمام خصوصیات منفی علی را حمل بر مذهب کند و پایبندی به عفاف را عامل عقب‌ماندگی و محدودیت تلقی نماید.

۴-۴- رمزگان ایدئولوژیک

۱-۴-۴- مفهوم اصلی

تمامی رمزگان فنی و اجتماعی که در قالب گفتگوها، شیوه رفتار، موسیقی و غیره نمایش داده شده‌اند، حول روابط آزاد بین زن و مرد رمزگذاری شده‌اند.

اختلاط و قبح‌شکنی در روابط، مانع حصول عفاف در ارتباطات زن و مرد است. در این فیلم زنان بدون رعایت فاصله مناسب، کنار مردان قرار می‌گیرند، هنگام صحبت در چشم یکدیگر خیره می‌شوند و در مورد مسائل گوناگون و غیر ضروری به صحبت و تبادل احساس می‌پردازند. در سعادت‌آباد، رابطه‌ی زنان با غیر هم‌جنسان مشابه و مساوی رابطه‌ی آنان با هم‌جنسان است. آنها با مردان درد دل می‌کنند، می‌خندند، آواز می‌خوانند، خاطره می‌گویند؛ مردان نیز همین‌گونه رفتار می‌کنند و حتی برای دلداری به آنان آواز عاشقانه می‌خوانند. این همکاری و نزدیکی بین زنان و مردان به حدی است که برای مخفی ساختن سقط جنین لاله از شوهرش، دست به یکی می‌کنند.

همان‌طور که بیان شد، شخصیت‌های داستان متعلق به قشر تحصیل‌کرده و مرفه جامعه هستند، چنین بازنمایی از روابط آزاد آنها با نامحرم باعث می‌شود مخاطب از چنین روابطی که متعلق به قشر بالای جامعه است استقبال کند و با نفی شخصیت علی، روابط عقیفانه او را نیز نفی کند. فیلم به نوعی مفاهیم خود را القا می‌کند که مخاطب مسائل را از هم تفکیک نمی‌کند، یعنی به این مسئله دقت نمی‌کند که هر چند علی شکاک و دعوافر است اما دلیل نمی‌شود که عفت‌ورزی او نیز به همراه سایر اخلاق او نفی شود.

بازنمایی چنین سطحی از روابط آزاد در صورتی که خیانتی هم صورت نمی‌گیرد باعث شکسته شدن قبح آن نزد مخاطب می‌شود. بنابراین در فیلم این‌گونه وانمود می‌شود که نیازی

به رعایت حریم در روابط کلامی و غیر کلامی نیست و در آزادی روابط نیز می‌توان ارتباطی عاشقانه و در عین حال پاک برقرار کرد.

۲-۴-۴- دسته بندی مفاهیم

- غیرت به مثابه بیماری روانی

مردان سعادت‌آباد، احساسی مبنی بر حفظ همسر خود از اختلاط با نامحرم ندارند. نه همسر خود را از رابطه غیر عقیفانه با نامحرم باز می‌دارند و نه از زاویه‌ی غیرت اجتماعی، مراقب ناموس دیگران هستند. در واقع این نوع مراقبت‌ها و حساسیت‌ها مربوط به مردانی است که دچار بیماری‌های روانی مانند پارانوئیا هستند که البته امری مشترک بین زنان و مردان است. زمانی که تهمینه می‌گوید علی بیمار است و پارانوئیا دارد، بهرام می‌گوید پارانوئیا را همه دارند. تو خودت بدتری. بنابراین غیرت به عنوان مولفه‌ای در عفاف اسلامی، در این فیلم جایگاهی ندارد، بلکه صرفاً حساسیتی بیمار گونه است که زن و مرد در آن مشترکند؛ در حالی که طبق آموزه‌های اسلامی، غیرت مولفه‌ای است مختص مردان و با حساسیت زنانه نسبت به حفظ شوهر متفاوت است. چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: غیرت‌ورزی روا نیست مگر برای مردان و غیرت زنان در حقیقت حسادت است و چون غیرت تنها مخصوص مردان است، به همین دلیل خداوند بر زنان جز شوهرانشان را حرام کرده است، ولی بر مردان چهار زن را حلال کرده است و خداوند کریم‌تر از آن است که از سویی به زن غیرت بدهد و از سوی دیگر برای مرد سه زن دیگر را علاوه بر آن زن حلال کند.

مردان سعادت‌آباد حریمی برای همسران خود نسبت به مردان نامحرم و حریمی برای همسران دوستانشان نسبت به خود در نظر نمی‌گیرند. محسن با اشتیاق تمام از همسرش می‌خواهد که در جمع آواز بخواند و هم‌چنین این درخواست را از لاله می‌کند. وقتی بانوان

شروع به آواز می‌کنند، بهرام نیز با آنها هم‌نوا می‌شود. در این بین تنها کسی که خوشحال نیست و کمی به فکر فرو رفته، علی است.

در صحنه‌ای می‌بینیم بهرام به تهمینه می‌گوید: خوشگل شدی. جمله او به همسرش در مقام شوهر، یعنی او هیچ اعتراضی به حضور جلوه‌گرانه همسرش در برابر نامحرمان ندارد. و یا وقتی محسن به لاله می‌گوید باز که قشنگ کردین شما، یعنی نسبت به ناموس دیگران غیرت ندارد. آنقدر این گفتگوها عادی و طبیعی رد و بدل می‌شود که گویی اتفاق ناپسندی رخ نداده است. او هم‌چنین از صحبت کردن همسرش با بهرام در خلوت جلوگیری نمی‌کند و پس از مهمانی به این سوال اکتفا می‌کند: «راستی با بهرام چی می‌گفتید؟ یاسی: هیچی. محسن: پس نیم ساعت تو بالکن داشتین چی می‌گفتین؟ گفتم هیچی». محسن با بی‌تفاوتی می‌گوید: هیچی؟ در این هنگام به کادوی تولدش نگاه می‌کند و می‌گوید قشنگه. سپس ادامه می‌دهد: این سویچ ماشینتو بده بنزین تموم کردم. محسن این نوع از رفتار را نشانه تعادل روحی می‌داند زیرا وقتی یاسی می‌گوید نمی‌خواهی پیرسی چرا رفتم دکتر؟ می‌گوید: خب رفتی دکتر. فکر کردی من مث اون مرتیکه دیوانه‌ام؟

تنها مردی که در سعادت‌آباد مراقب نوع پوشش و رفتار همسرش در برابر نامحرم است و خودش نیز در برابر با زنان دیگر از فعل جمع استفاده می‌کند و سعی در رعایت حریم دارد، علی است. غیرت‌مندی علی در واقع انتساب غیرت به قشری است که علی نماینده آن است. یعنی مذهب و مذهب‌یون. بازنمایی علی در قالب فردی بی‌منطق و عصبانی و سلطه‌گر، هم‌نشین کردن مولفه مهم غیرت با افرادی سطحی‌نگر و بی‌عقل و در نتیجه بی‌اعتبار کردن این مولفه دینی است.

- خلوت زن و مرد نامحرم

در این فیلم زنان متاهل با مردان در خلوت صحبت می‌کنند و به دردل هم گوش می‌دهند. طبق مولفه‌هایی که پیش از این برای عفاف بیان شد یکی از مولفه‌های عفاف اسلامی خلوت نکردن زن و مرد نامحرم است در حالی که در این فیلم، یاسی و بهرام در بالکن گفتگویی دو نفره دارند، گفتگویی که در آن بهرام به گونه‌ای عشق خود به یاسی را ابراز می‌کند. یاسی نیز با لبخند قضیه را فیصله می‌دهد و یا در صحنه‌ای دیگر وقتی علی در حال بازپرسی از لاله در اتاق است، یاسی وارد می‌شود، لاله را بیرون می‌کند و در حالی که در را می‌بندد از علی می‌خواهد با او صحبت کند و در صحنه‌های پایانی نیز، باز علی و یاسی را می‌بینیم که در تراس با هم به گفتگویی دو نفره دارند.

- روابط عاشقانه با نامحرم

قبح شکنی در روابط افراد سعادت‌آباد به حدی می‌رسد که بهرام عشق خود به زنی متاهل را عیان می‌کند. او در صحنه صحنه‌های فیلم، با نگاه‌های عاشقانه و حسرت‌بار خود، با نگران شدن برای یاسی و با تعریف و تمجیدها از او، عشق خود به یاسی را بیان می‌کند. یاسی نیز نسبت به بهرام بی‌علاقه نیست اما از ابراز این عشق امتناع می‌کند. استقبال گرم او از بهرام یکی از نشانه‌های این علاقه است و یا گفتگوی دونفره‌ای که بین او و بهرام در بالکن رخ می‌دهد. در هر صورت او خوددارتر از بهرام است و به زندگی خود متعهدتر. آن قدر علاقه بهرام به یاسی واضح است که وقتی پس از اتفاقات تلخ پیش آمده، بهرام به تهمینه می‌گوید کاش به این میهمانی نیامده بودیم تهمینه با تمسخر می‌گوید: به تو که خوش گذشت. و بهرام می‌گوید: می‌فهمی چی داری می‌گی؟ در صحنه‌ای دیگر وقتی حال یاسی به هم می‌خورد و به طرف دستشویی می‌دود، بهرام با نگرانی به همراه تهمینه پشت در حاضر می‌شود و جویای احوال یاسی می‌شود به صورتی که تهمینه با حالتی کنایه آمیز می‌گوید: طوریش نیست. از این

دست گفتگوها بین بهرام و تهمنه در چند جای دیگر نیز دیده می‌شود. فیلم با نمایش چنین عشقی و از طرفی مظلومیت بهرام در برابر سخنان تند تهمنه و اخلاق و کردار منعطف و نرم بهرام، باعث می‌شود، مخاطب دیدی مثبت به این عشق پیدا کند.

- حجاب قانونی نه حجاب اسلامی

همان طور که در رمزگان فنی اشاره‌ای شد، شخصیت‌های فیلم که نماد طبقه مرفه و تحصیل کرده جامعه هستند، اعتقادی به حجاب در برابر نامحرم ندارند و پوشش آنها در خارج از خانه به دلیل اجبار قانونی است، چنان که وقتی به خانه می‌رسند با این که نامحرم حضور دارد، اما لباس رویین را خود برمی‌دارند. فیلم این مسئله را برجسته می‌کند؛ در ابتدا بحثی بین لاله و علی را در خصوص مانتو نمایش می‌دهد. صحبتی که طی آن لاله، علی را راضی می‌کند تا وقتی به خانه یاسی رسیدند مانتوی خود را درآورد. تهمنه نیز وقتی به خانه می‌رسد بلافاصله مانتو خود را در می‌آورد و آن را به یاسی می‌دهد، جالب‌تر این که همسران آنها نیز با این قضیه مشکلی ندارند و حتی بهرام از زیبایی خانمش تعریف می‌کند. در این بین تنها علی است که حجاب همسرش برای او مهم است.

جمع‌بندی

در این تحقیق بعد از تعریف مفهوم عفاف، تلاش شد با نگاهی به آیات و روایات، به بررسی ملاک‌ها و معیارهای روابط زن و مرد در جامعه اسلامی پرداخته شود. برای این کار آیات و روایات مربوط به روابط زن و مرد نامحرم گردآوری شد. سپس با ترجمه این متون، به طبقه‌بندی آنها و استخراج مولفه‌ها پرداخته شد. در مرحله بعد، مولفه‌های استخراج شده به دو گروه کلامی و غیر کلامی تقسیم شد و در هر گروه، شاخص‌های مربوط قرار گرفت. در نهایت، با توجه به مولفه‌های به دست آمده، فیلم سینمایی سعادت‌آباد با روش تحلیل

نشانه‌شناختی جان فیسک بررسی شد. تحلیل فیلم سینمایی سعادت‌آباد، نشان می‌دهد که نه تنها روابط زن و مرد در این فیلم بر اساس الگوی صحیح عفاف در اسلام نیست، بلکه در بسیاری مواقع در نقطه مخالف این فرهنگ قرار دارد، حتی در مواقعی، آموزه‌های عفاف اسلامی مانند غیرت، شدیداً مورد حمله قرار گرفته است. سعادت‌آباد قضاوتی راجع به شخصیت‌های خود نمی‌کند و حکم را به مخاطب واگذار می‌کند. به عنوان مثال، عشق بهرام به زنی متاهل. مخاطب، تنها شاهد نگاه‌های حسرت‌بار مردی رنج کشیده است. مردی نجیب و مهربان که از طرف همسر سرمایه‌دارش، تحقیر می‌شود و علاقه‌ای بینشان وجود ندارد، در حالی که بهرام هیچ رفتار بد یا توهین آمیزی با همسرش ندارد. حال مخاطب باید قضاوت کند که آیا بهرام در عشق خود به یاسی مقصر است یا نه؟ آیا صرف علاقه‌ای قلبی بدون وقوع رخدادی نامشروع، بی عفتی است؟ فیلم این عشق را به صورتی پاک بازنمایی کرده به طوری که مخاطب هیچ‌گاه نمی‌تواند نگاه‌های معنادار بهرام را حمل بر چشم چرانی نماید. با این نوع بازنمایی، این مخاطب است که باید مهر تایید بر این عشق بزند یا نزند و خود فیلم در این باره سکوت می‌کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ق، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، ج ۲، دارالارقم بن ابی الارقم.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۰۴ق، منلایحضرها لفقیه، ج ۳، چاپ ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، لسان العرب، ج ۴ و ۹، بیروت، دارصادر.
۵. بایر، بهناز - هداوند، فاطمه، ۱۳۸۹، جایگاه لحن کلام در ارتباط غیر کلامی، روابط عمومی، شماره ۷۴.
۶. ثابت، حافظ، ۱۳۸۷ش، تربیت جنسی در اسلام، چاپ ۴، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیلوسائلالشعبه إلى تحصیلمسائلالشریعة، ج ۲۰، چاپ ۱، قم.
۸. حسینی، سیدمحمد، ۱۳۷۹ش، بررسی وضعیت زن در سینمای ایران (بعد از انقلاب اسلامی)، برگرفته از: نمای آگینه (مجموعه مقالات همایش زن و سینما)، چاپ ۱، تهران، سفیر صبح.
۹. خانی، رضا - ریاضی، حشمت الله، ۱۳۷۲، ترجمه بیان السعادة، ج ۱۱، تهران، دانشگاه پیام نور.
۱۰. خرمشاهی، بهاءالدین - انصاری، مسعود، ۱۳۷۶ش، پیامبامبر، چاپ ۱، تهران، منفرد.
۱۱. دوبووار، سیمون، ۱۳۷۹، جنس دوم، ج ۲، مترجم: قاسم صنعوی، چاپ ۲، تهران، توس.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱ش، لغت نامه دهخدا، ج ۳۲، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، چاپ ۱، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۴. زعفرانچی، لیلاسادات، ۱۳۸۸ش، اشتغال زنان، چاپ ۱، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
۱۵. سلطانی گرد فرامرزی، مهدی، ۱۳۸۵ش، نمایش جنسیت در سینمای ایران، مجله پژوهش زنان، شماره ۱۴.
۱۶. طاهری نیا، احمد، ۱۳۸۹ش، حضور زن در عرصه های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات، چاپ ۲، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن حفید، ۱۳۸۵ق، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ ۲، قم، حیدریه.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، چاپ ۱، قم، دارالتقافه.
۱۹. عابدی جعفری، حسن - تسلیمی، محمدسعید - فقیهی، ابوالحسن، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰، ۱۳۹۰.
۲۰. علم الهدی، عبدالرسول، ۱۳۹۱ش، ارتباط عقیقانه در تلویزیون و سینما، چاپ ۱، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. علم مهرجردی، نسربین، ۱۳۸۱ش، رابطه دختر و پسر در جامعه کنونی ما، چاپ ۱، تهران، آن.
۲۲. فرهنگدپور، فهیمه، ۱۳۷۹ش، زن امروز، سیما و سینمای امروز، برگرفته از: نمای آگینه (مجموعه مقالات همایش زن و سینما)، چاپ ۱، تهران، سفیر صبح.

۲۳. فیسک، جان، ۱۳۸۶ش، درآمدی بر مطالعات ارتباطی، مترجم مهدی غبرایی، چاپ ۲، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۲۴. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۲ش، قاموس قرآن، ج ۱، چاپ ۱۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۲۹ق، الکافی، ج ۵، قم، دارالحدیث.
۲۶. مترجمان، ۱۳۷۷، ترجمه جوامع الجامع، ج ۵، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ۱۳۶۳ش، چاپ ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸ش، مساله حجاب، چاپ ۵۱، تهران، صدرا.
۲۹. معین، محمد، ۱۳۷۹ش، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ ۱۶، تهران، امیرکبیر.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۷۴ش، ترجمه المیزان، ج ۱۶، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. مهدی زاده، حسین، ۱۳۸۳ش، تاثیر پوشش‌اسلامی در مهارت‌های جنسی، چاپ ۱، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۳۳. میرغفوری، سیدمجتبی، ۱۳۷۳ش، روانشناسی و فرهنگ پوشش (آرامش، آرایش، محبت با پوشش)، چاپ ۱، تهران، مولف با همکاری جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۳۴. نراقی، ملا احمد، بی تا، معراج السعاده، بی جا، انتشارات علمیه اسلامیه.
۳۵. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، چاپ ۱، قم، مؤسسه‌الایبیت‌الاحیاء التراث.
۳۶. ورام، ابن ابی فراس، بی تا، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۲، قم، مکتب‌هفقیه.
۳۷. هال، استوارت، ۱۳۸۷، گزیده‌هایی از عمل بازنمایی، برگرفته از شاقاسمی، احسان، نظریه‌های ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات فرهنگی و رسانه، چاپ ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.